

امکان‌سنجی تحقق سبک زندگی دینی (اسلامی) در جامعه ایران (بر اساس سه اثر مفاتیح‌الحیاء، الحیاء و سراج‌الشیعه)

ابراهیم حاجیانی^۱

بهالالدین قهرمانی نژاد شایق^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۷

چکیده

مسئله اصلی این نوشتار تأمل درباره امکان و زمینه‌های ارتقا، ژرف‌اندیشی و گسترش سبک زندگی دینی در جامعه ایرانی است. فرض اساسی نیز آن است که در جامعه ایرانی و متأثر از امواج مدرنیته و جهانی شدن، الگوهای مختلفی از سبک زندگی در کنار سبک‌های زندگی سنتی و دینی وجود دارد؛ بنابراین میدان رقابت جدی (در زمینه فرهنگی و به ویژه برای شمولیت یافتن انواع سبک‌های زندگی) وجود دارد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش، بررسی میزان کفایت یا پاسخگویی الگوهای دینی سبک زندگی به نیازهای موجود و چگونگی انطباق آن با شرایط موجود و همچنین قابلیت پاسخگویی مراجع دینی (مبتنی بر احکام و سفارش‌های دینی) به نیازهای روزمره کنشگران در زمینه‌های گوناگون سبک زندگی از جمله پوشش، مصرف و... است. پرسش‌های اصلی بیان‌شده عبارتند از: ویژگی‌ها و ابعاد سبک زندگی دینی (با تأکید بر آثار نوشتاری روایی- حدیثی) چیست؟ زمینه و عوامل استقرار، نفوذ و تداوم الگوی دینی (اسلامی) سبک زندگی کدام‌اند؟ امکان‌پذیری اجرای آنها در جامعه ایرانی به چه اندازه است؟ برای برخورداری این پژوهش از ماهیت و رویکرد یا روش‌شناختی امکان‌سنجی، بررسی محتوای سبک زندگی دینی یا الگوی زیست مسلمانی در معنای اصلی و روایی آن مهم است. به همین علت، محتوای سه اثر مهم دینی از جمله کتاب‌های *مفاتیح‌الحیاء* (جوادی آملی)، *الحیاء* (حکیمی) و *سراج‌الشیعه* (مامقانی غروی) بررسی شده است که با هدف ارائه سبک زندگی اسلامی تدوین شده‌اند. سپس ویژگی‌های این سه اثر با معیارهای ارزیابی سبک‌های زندگی مقایسه شده است. در پایان مشکلات و موانع استقرار و تداوم سبک زندگی مذهبی (حیات طیبه) بررسی و پیشنهاد شده است؛ ابتدا اینکه به تنوع الگوهای سبک زندگی دینی توجه شود و همچنین به تلاش‌های احیاگران و روشن‌اندیشان دینی در دوره‌های معاصر برای تحقق سبک زندگی دینی یا ایمانی بیشتر در مراکز سیاست‌گذاری فرهنگی توجه شود.

واژه‌های کلیدی: تبلیغ دینی، حیات طیبه، سبک زندگی دینی، سیاست فرهنگی، مدرنیته فرهنگی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی و مدیر گروه فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک (نویسنده مسئول) ebhajiani@csr.ir
۲. استادیار گروه تاریخ تمدن و انقلاب اسلامی دانشکده معارف اسلامی دانشگاه تهران، ghahremani@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

یکی از ابعاد زمینه مطالعاتی و پژوهشی سبک زندگی، معطوف به بررسی الگوها، مراجع یا انواع سبک‌های زندگی رایج است که معمولاً منجر به معرفی گونه‌های مختلف سبک زندگی یا سنخ‌شناسی الگوهای سبک زندگی در گروه‌ها و جوامع می‌شود (برای نمونه ن.ک: شهابی، ۱۳۸۶ و شکوری، ۱۳۸۰). بنابراین مسائل و پرسش‌هایی در خصوص انواع الگوهای بومی (سنتی) و مدرن سبک زندگی، تغییرهای الگوها و کم و کیف پاسخگویی الگوهای موجود یا در دسترس جامعه به نیازها و خواسته‌های گروه‌های مختلف سنی، جنسی و... مطرح است. در جامعه ایرانی نیز سبک‌های فراوان و متفاوتی از سبک زندگی وجود دارد که هر یک متأثر از الگوها یا مراجع مختلفی قرار دارند. از جمله الگوهای مهم و نافذ که در زمره الگوی سنتی قرار می‌گیرد، سبک زندگی دینی یا مذهبی است که به سبب قوت حضور دین در همه جوامع از جمله جامعه ایرانی و نقش منحصر به فرد دین در ثبات، نظم و حفظ ارکان اخلاق اجتماعی، جایگاه مهمی دارد. بنابراین توجه در این باره و اندیشیدن درباره امکان ارائه الگوی زیست مسلمانی یا به تعبیر بعضی "حیات طیبه" در دنیای امروز ضرورت و اهمیت دارد. از جمله پرسش‌های مطرح در این باره چگونگی کفایت یا پاسخگویی الگوهای دینی سبک زندگی به نیازهای موجود و اندازه هماهنگی آن با شرایط موجود و قابلیت پاسخگویی مراجع دینی (مبتنی بر احکام و دستورهای دینی) به نیازهای روزمره کنشگران در زمینه‌های گوناگون سبک زندگی از جمله پوشش، مصرف و... است؛ برخی از پرسش‌های مهم بیان و بررسی شده عبارتند از:

۱. ویژگی‌ها و ابعاد سبک زندگی دینی (با تأکید بر آثار مکتوب روایی - حدیثی) چیست؟
۲. زمینه‌های اساسی استقرار، نفوذ و تداوم الگوی دینی (اسلامی) سبک زندگی در جامعه ایرانی چیست و چگونه امکان‌پذیر است؟ و امکان اجرای آنها در جامعه ایرانی چه اندازه است؟

بررسی ادبیات

بسیاری از محققان به موضوع سبک زندگی دینی (اسلامی) در چند سال اخیر، به‌خصوص پس از طرح آن از سوی مقام معظم رهبری، بسیار توجه کردند و پژوهش‌های فراوانی پیرامون آن انجام داده‌اند. این موضوع را هاشمی (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی نمودهای عرفی شدن دین در سبک زندگی» بررسی کرد و بر نقش مهم دین بر کنترل فرهنگ مصرف تأکید کرده است.

همچنین امیری (۱۳۹۰) دریافت که باوجود نقش و نفوذ دین، بازاندیشی ناشی از مدرنیته، موجب انفعال یا همزیستی دین و سنت با مدرنیته و جهانی شدن را فراهم کرده است. محققان دیگری مانند قدیری (۱۳۹۱)، تجزید (۱۳۹۳)، گشنیزجانی (۱۳۹۰)، مجمع (۱۳۸۷)، حاجیانی (۱۳۸۶ و ۱۳۹۲)، فزلسلی (بهار ۱۳۹۳) نسبت دین و سبک زندگی را بررسی کردند. درواقع بیشتر تحقیق‌های موجود، به تأثیر دینداری بر سبک زندگی، سنخ‌شناسی سبک‌های زندگی در میان ایرانیان و تأثیر مدرنیته و سبک زندگی توجه کرده‌اند. در این میان باید به کوشش‌های نظری بعضی محققان ایرانی به‌ویژه فناپیان (۱۳۸۸) و ملکیان (۱۳۹۰) اشاره کرد که در پی ارائه برداشتی خاص از سبک زندگی دینی بود که ماهیت اخلاق - محوری یا معنوی‌گرایانه داشته و از نظر آنان تحقق دینداری را در دوران مدرن ممکن می‌سازد. بنابراین در تحقیق‌های تجربی، وجود توجه کافی به امکان‌سنجی سبک زندگی دینی با عطف توجه به واقعیت جاری صورت نگرفته است.

مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی مجموعه‌ای منسجم از رفتارها و کنش‌های افراد یک گروه از جامعه در یک دوره زمانی مشخص است. بنابراین آن را روش خاصی از زندگی نیز می‌دانیم. در ادبیات جامعه‌شناختی، سبک زندگی مجموعه رفتارهایی تعریف شده است که افراد یا گروه‌ها برمی‌گزینند و ممکن است نمایانگر نگرش‌ها و گرایش‌ها و وجه تمایز آنان از سایرین باشد (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۴۵). همچنین آن را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه می‌دانند که به‌صورت رفتارهای مشترک بروز می‌کند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۵۱). به بیان دیگر، مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و کاملاً توسعه‌یافته انتخاب‌های فردی در رفتار شخصی مصرف‌کننده است. به تعبیر بوردیو، سبک زندگی فعالیت‌های نظام‌مندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شود و بیشتر جنبه عمیق و خارجی دارند و در عین حال به‌صورت نمادین، به فرد هویت می‌دهند و افراد گوناگون را از یکدیگر متمایز می‌کنند. در مجموعه تعاریف سبک زندگی به سه ویژگی متفاوت تأکید شده است: ۱. ویژگی‌های زیباشناختی، ۲. ویژگی‌های تمایزدهنده و ۳. تجسم نوین یا ابعاد تجملی زندگی (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۴۸). براساس ادبیات موجود ابعاد سبک زندگی شامل موارد زیر است:

- استفاده از کالاها، خدمات و شیوه‌های به‌کارگیری آنها به‌ویژه موسیقی و رسانه

- الگوی بدن (الگوی تغذیه، آرایش، ورزش، بهداشت سلامت)
 - الگوی گذران اوقات فراغت و بازی، تفریح‌ها
 - الگوی پوشش
 - شیوه تعاملات و روابط اجتماعی، آداب معاشرت، شیوه گفتار و ادبیات
 - رفتار محیط زیستی
 - شیوه هویت‌سازی و چگونگی معرفی خود
 - الگوی ازدواج، همسرگزینی، روابط زناشویی و روش‌های تربیتی
 - عقاید، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های اجتماعی
 - کیفیت مشارکت‌های اجتماعی و مدنی
 - دارایی‌های فرهنگی (کتاب، اثاثیه، تزیین‌های خانه و...) و علایق هنری
- باید توجه کرد که ارتباط منسجم میان عناصر و ابعاد یک الگو، متفاوت است و بین آنها روابطی از گونه همسازی کامل تا فقدان همسازی (فقدان انسجام) دیده می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲، ۹۱).

سبک یا سبک‌های زندگی

همه اعضای جامعه از وجه فرهنگی از یک الگو، نظام هنجاری و قواعد رفتاری مشابه پیروی نمی‌کنند و بر اثر تنوع و فراوانی به وجود آمده در دنیای مدرن، خرده‌فرهنگ‌های بسیاری درون هر نظام فرهنگی به چشم می‌خورد. خرده‌فرهنگ‌ها و الگوی رفتاری در گذشته و دوران سنت بسته به گروه‌های نژادی، قومی و طبقاتی متفاوت بود اما امروزه با افزایش روند تفکیک اجتماعی^۱ و تمایزها،^۲ دامنه این تکثر و تنوع بسیار گسترده‌تر و جامعه به گروه‌هایی تبدیل شده است که هر یک از جنبه‌های باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، آرمان‌ها و نیازها متفاوت و متمایز هستند. این تمایزها در کنش،^۳ ذائقه‌ها،^۴ نیازها،^۵ درخواست‌ها^۶ و نهایتاً در سبک زندگی بروز و تجلی می‌کند. وجه دیگری از این تمایزهایی با سرمایه فرهنگی کنشگران تحلیل‌پذیر است که در

1. Social differentiation
2. Discrimination
3. Action
4. Taste
5. Needs
6. Demand

قالب‌هایی همچون سبک آرایش مو، سلیقه موسیقایی، به‌کارگیری اصطلاح‌های خاص و... بروز می‌کند. در واقع هر واحد اجتماعی، الگوها یا سبک‌های متعددی برای زندگی، تعاملات اجتماعی و رفتارهای فرهنگی دارد. با وجود نقاط اشتراک فراوان میان این الگوها (چون در یک فرهنگ واحد و کلان قرار دارند) هر سبک زندگی، نشانه‌ها یا برجستگی‌های خاص خود را دارد که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند. بنابراین کنشگران ممکن است دست به ترکیب و تعامل با اجزای موجود در سبک‌های مختلف بزنند اما در نهایت می‌بایست هر یک از آنها را در الگو یا سبکی خاص قرار داد. مبنای این طبقه‌بندی (تفکیک سبک زندگی افراد) نیز ممکن است عناصر اصلی و برجسته فرهنگی باشد که اشخاص از آنها در زندگی فرهنگی خود بهره می‌برند.

انواع سبک‌های زندگی جوانان ایرانی

براساس بررسی تجربی شکوری در سال ۱۳۸۱، مهمترین الگوهای سبک زندگی در جامعه ایرانی (شهر تهران) بدین شرح است:

۱. الگوی فعالیت فرهنگی: از شرکت در کلاس‌های مختلف (زبان، کامپیوتر و...)، بازدید از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، حضور در کافی‌نت‌ها، فعالیت‌های هنری (نقاشی، خطاطی، عکاسی) و مراجعه به کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی تشکیل شده است. این سبک زندگی، زنانه است که با سن پایین‌تر (نوجوانان)، تأهل و شاغل نبودن ارتباط دارد.
۲. الگوی فعالیت خرده‌فرهنگی: فعالیت‌هایی همچون شرکت در میهمانی‌های مختلط دوستانه، گفتگوی تلفنی با دوستان جنس مخالف، ماشین‌سواری و موتورسواری تفریحی در شهر، گشت‌وگذار در مراکز خرید و مجتمع‌های تجاری، دعوت کردن و دعوت شدن به رستوران برای غذاخوردن، حضور در کنسرت‌های موسیقی و ساز نواختن تشکیل شده است. این سبک زندگی مردانه است که میان جوان‌ترها و تاندازه‌ای مجردها و غیرمذهبی‌ها رواج دارد.
۳. الگوی فعالیت ورزشی: ورزش کردن در خانه، تماشای رویدادهای ورزشی در ورزشگاه‌ها و سالن‌های ورزشی، شرکت در باشگاه‌های ورزشی در رشته‌های انتخابی و کوه‌پیمایی را دربرمی‌گیرد. این سبک زندگی اغلب مردانه است و با تأهل و عقاید مذهبی همبستگی دارد.
۴. الگوی فعالیت هنری: از فعالیت‌هایی مانند رفتن به فرهنگسراها، رفتن به تئاتر، گوش دادن به برنامه‌های فارسی رادیوهای بیگانه و... تشکیل شده است. این سبک زندگی میان نوجوانان یا جوانان، جوانان متأهل و بیکار و غیرمذهبی بیشتر رواج دارد.

۵. الگوی فعالیت مطالعاتی: از فعالیت‌هایی همچون مطالعه روزنامه، مجله و کتاب‌های غیردرسی تشکیل شده است. این سبک زندگی، سبکی زنانه است که در میان جوانان مجرد و متأهل و افراد با مدارج بالای تحصیلی و مذهبی بیشتر رواج دارد.
۶. الگوی فعالیت خانوادگی یا خانواده‌گرا: از فعالیت‌هایی همچون هم‌صحبتی با پدر و مادر و سایر اعضای خانواده، شرکت در میهمانی‌های خانوادگی و تماشای شبکه‌های تلویزیون داخلی تشکیل شده است.
۷. الگوی فعالیت رسانه‌ای (تصویری): از فعالیت‌هایی همچون تماشای شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، تماشای برنامه‌های ویدئویی، گوش دادن به موسیقی، رفتن به سینما و پارک تشکیل شده است. این سبک زندگی نیز سبکی زنانه است که میان جوانان، متأهل‌ها و بیکارها بیشتر رواج دارد.
۸. الگوی فعالیت فکری و کامپیوتری (بازی‌ها): از فعالیت‌هایی همچون بازی‌های کامپیوتری و فکری (شطرنج و...) تشکیل شده است. این سبک زندگی اغلب میان مردان جوان با خانواده‌های برخوردار از درجه بالای سرمایه فرهنگی یا آموزشی رواج دارد.
۹. الگوی فعالیت توریستی: فعالیت‌هایی همچون مسافرت‌های تفریحی و سیاحتی داخلی و خارجی را در برمی‌گیرد. این سبک زندگی، سبکی متأهلانه است.
۱۰. الگوی تفریحی مبتنی بر سرگرمی‌های شخصی: از فعالیت‌هایی همچون جمع‌آوری کلکسیون‌های مختلف و گوش دادن به رادیوهای داخلی تشکیل شده است. این سبک زندگی اغلب میان جوانانی رایج است که تحصیلات نسبتاً بالا و خانواده‌هایی با سطح بالایی از سرمایه فرهنگی دارند و نیز جوانانی که نسبت به بقیه مذهبی‌تر هستند.
۱۱. الگوی فعالیت تفریحی مبتنی بر گفتگو: فعالیت‌هایی همچون گفتگوی تلفنی با دوستان هم‌جنس و دوستان اینترنتی تشکیل شده است. این سبک زندگی اغلب میان جوانان، بیکارها (دانش‌آموز، دانشجو، خانه‌دار) بیشتر رایج است. این سبک زندگی اگرچه از جنبه آماری با متغیر جنسیت همبستگی معناداری ندارد گفته می‌شود این تمایل میان دختران بیشتر از پسران است (شکوری، ۱۳۸۰). این یافته نشان می‌دهد که سبک زندگی مذهبی کمتر به‌طور مستقل بررسی می‌شود. در عین حال با انواع سبک‌های زندگی در هر جامعه روبه‌رو هستیم. به جز این تفکیک یازده‌گانه، قرارگیری این سبک زندگی در دو سوی یک طیف امکان‌پذیر است که یک سوی آن سبک کاملاً مدرن (تسامحاً غربی یا جهانی شده)، نقطه میانی را سبک

زندگی ترکیبی یا آمیخته و سوی دیگر طیف، سبک زندگی کاملاً سنتی و مذهبی جایگزین می‌شود. از دیدگاه دیگر، برخی اجزا و ابعاد سبک زندگی در ایرانیان را بررسی کرده‌اند و سه عنصر اصلی جهان زیست ایرانی را مشتمل بر عنصر ملی، اسلامی و مدرن دانسته‌اند (قرلسفلی و فرخی، ۱۳۹۳).

روش‌شناسی

نگاهی به مطالعات امکان‌سنجی و به‌کارگیری آن در این پژوهش

مفهوم امکان‌سنجی^۱ یا امکان‌پذیری، ادبیات گسترده‌ای از حوزه تصمیم‌گیری، مدیریت به‌خصوص مدیریت صنایع و پژوهش‌های علوم اجتماعی دارد. به‌طور مشخص منظور از امکان‌سنجی، ارائه یک مجموعه معیارهای عملی بودن^۲ برای قضاوت درباره ماهیت عملی بودن، امکان‌پذیر بودن، مقرون به صرفه بودن یک اقدام یا طرح و پذیرش آن است که در میان گروه‌های مختلف ذی‌نفع و هزینه‌های لازم برای اجرای آن مشخص می‌شود. معمولاً آزمون‌های امکان‌پذیری^۳ گونه‌ای بررسی است که پیش از اقدام انجام می‌شود و درباره سطح آثار احتمالی آگاهی ایجاد می‌شود (فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی آمریکا، APA، ۱۳۹۱، ۶۸۴). این مفهوم با ادبیات ارزیابی^۴ و نیز سنجش قابلیت ارزیابی^۵ مرتبط است، زیرا در ارزیابی یا ارزش‌یابی، میزان موفقیت یک عامل در دستیابی به اهداف تعیین‌شده با دقت بررسی می‌شود (همان، ۶۴۴). در استدلال‌های امکان‌سنجی و ارزیابی، گونه‌ای از تفکر انتقادی بیان می‌شود که شامل ارزیابی کارایی، اعتبار، معنا یا به‌جا بودن و مرتبط بودن هر عمل، عقیده، احساس، شیوه یا شیء می‌شود (همان، ۶۴۴). بر این اساس و با نظر به ماهیت و مطالعات امکان‌سنجی، در این پژوهش به موضوع امکان و تحقق، رواج و ژرف‌اندیشی در سبک زندگی دینی با شرایط و نیازهای عینی و تحولات فرهنگی اجتماعی پدیدآمده در جامعه ایران می‌پردازیم. مسئله آن است که کنشگران و شهروندان ایرانی به الگوی دینی سبک زندگی تاندازه‌ای بیشتر توجه کرده‌اند و از آن پیروی می‌کنند. بنابراین منظور از امکان‌سنجی در اینجا، توانایی یا امکان هماهنگی، سبک

1. Feasibility
2. Feasibility Standard
3. Feasibility test
4. Evaluation
5. Evaluability Assessment

زندگی دینی با واقعیت‌ها، روندها و نیازهای عینی جامعه ایرانی است. اکنون و در ادامه، این موضوع بیشتر واکاوی خواهد شد.

معیارهای ارزیابی جامعه‌شناختی الگوهای سبک زندگی

با در نظر گرفتن این پیش‌فرض که در جامعه معاصر، کنشگران امکان انتخاب سبک زندگی خاصی را از میان الگوهای گوناگون و در دسترس، پیش‌روی خود دارند؛ بنابراین می‌بایست از یک میدان یا فضای رقابتی میان سبک‌های زندگی سخن گفت که در این میان الگوهایی موفق‌تر و مؤثرتر خواهند بود که معیارها و ویژگی‌های ذیل را دارند و فقط در این صورت توان رقابت راهبردی برای اجرا، استقرار و تداوم حضور در زمینه واقعی سبک زندگی را خواهند داشت. معیارهای مهم بدین شرح است:

۱. جذاب بودن و توان ایجاد و بازتولید درخواست‌ها میان گروه‌های متفاوت سنی، جنسی، اقشار و... به‌طور مشخص "پذیرش عمومی" بسیار مهم است؛ این پذیرش یا "شرط اقتناع" برای هر گونه از سبک زندگی، خود منوط به متغیرهای ساختاری، پایه‌ای و فرهنگی است. در واقع این معیار ممکن است مهم‌ترین شرط استقرار و رواج یک سبک ویژه زندگی باشد که در این نوشتار بر آن تمرکز خواهیم کرد.
۲. شامل تمام ابعاد سبک زندگی (فراغت، مصرف، سیاست بدن و...) باشد و ضمن انسجام درونی میان عناصر خود قادر به پوشش ابعاد مختلف آن نیز باشد.
۳. ایجاد حق انتخاب: الگوهایی از سبک زندگی ممکن است نافذ و مداوم باشند (به لحاظ زمانی) که امکان گزینش را فراهم کنند، یعنی درون خود آن الگو نیز امکان انتخاب بین روش‌های مختلف فراهم باشد و سایر نیازهای اشخاص را پاسخگو باشند. انعطاف‌پذیری شرط مهمی است که به‌واسطه آن امیال هدایت می‌شود.
۴. تمایز بخشی: کنشگر امروز نیازمند آن است که به وسیله سبک زندگی خاص، تفاوت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد خود را آشکارا به نمایش بگذارد. این ویژگی حتی در میان انواع سبک‌های زندگی دینی نیز ضروری است. چون جامعه دینی (و کنشگران دین-محور) نیز در درون خود با تنوع و تکثر روبه‌رو است. در واقع سبک زندگی می‌بایست بیانگر تجربه‌های اجتماعی خاص هر کنشگر نیز باشد.

۵. توان ترکیب‌سازی: الگوهای موفق باید در بطن خود امکان آمیختگی با ویژگی‌های بومی، محلی و سنتی را داشته باشند.
۶. پرهیز از الگوی صرفاً تجویزی یا دستوری: با توجه به شرایط جدید، الگوهایی از سبک زندگی امکان رقابت در این آشفته بازار را خواهند داشت که صرفاً دستوری و از بالا به پایین نباشد؛ بلکه در آن امکان تصمیم‌گیری فردی (یا همان گزینش‌گری) فراهم باشد.
۷. الگوی مناسب سبک زندگی باید جذاب و از دیدگاه زیباشناختی رضایت‌بخش باشد و حتی توانایی م‌دسازی (رفتارهای رایج در هر مقطع خاص زمانی) و ویژگی‌های ذوقی و سلیقه‌ای در آن راه داشته باشد.

رقیب‌های اصلی سبک زندگی اسلامی

با توجه به بازار رقابت سخت بین هویت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌های معاصر، جدال اصلی بین آنها را می‌توان بر سر القا یا تثبیت سبک زندگی خاص هر یک از آنها در جوامع خودی و پیرامونی‌شان دانست؛ چنانکه مناقشه اصلی در دوران جنگ سرد نیز تا اندازه زیادی ناظر به تلاش ایالات متحده برای نفوذ سبک زندگی آمریکایی به جامعه شوروی (سابق) بود. اکنون نیز سبک زندگی جهانی یا تسامحاً سبک زندگی غرب، همچنان همان ادعا را نسبت به سایر فرهنگ‌ها دارد و این مناقشه را در جغرافیای غرب و خارج از آن نیز در پیش گرفته است. در کنار این جریان قوی که مبتنی بر فرهنگ غربی و مشخصاً مبانی فکری آن یعنی لیبرالیسم است، در جوامع دیگر نیز سبک‌های زندگی خاصی رایج است که هرچند ادعای جهان‌شمولی ندارند اما این تمایل در وجودشان هست. در جامعه ایرانی نیز چندین الگو یا سبک زندگی شناسایی شده است که از جمله آنها سبک زندگی دینی (اسلامی) است. مبنای معرفتی و نظری این الگو به دین اسلام باز می‌گردد. با توجه به شرایط سیاسی - فرهنگی جامعه ایران و با پیش‌فرض وجود یک جریان فرهنگی (اعم از آنکه برنامه‌ریزی و هدایت‌شده باشد یا نباشد) از سوی رقبای فرهنگ ایرانی و اسلامی، مناقشه‌ای جدی بین سبک زندگی غربی یا جهانی با سبک زندگی دینی یا اسلامی در جامعه ایرانی در جریان است. هرچند در واقع جامعه ایرانی دست به ترکیب و همزیستی میان این دو الگو زده است. در ادبیات بومی و از سوی محققانی که نسبت به این موضوع دغدغه داشته و دارند این الگو به "الگوی زیست مسلمانان" یا "حیات طیبه" یا "زندگی ایمانی" و "الگوی زیست موحدانه" تعبیر شده است.

تحلیل محتوای آثار نوشتاری سبک زندگی اسلامی

برای بررسی دقیق‌تر محتوای سبک زندگی اسلامی روش‌های بسیاری وجود دارد که بر چند اثر معروف، معتبر و رایج در جامعه ایران تمرکز می‌کنیم که در مدت دو-سه دهه اخیر منتشر شده‌اند. این سه اثر شامل کتاب‌های *الحیاه، مفاتیح‌الحیاه، سراج‌الشیعه فی الآداب‌الشریعه* هستند. اهمیت این آثار به دلیل اعتبار و توجه خاص جامعه مذهبی ایران بدان است و بسیار به آنها رجوع شده است. بدین ترتیب چاپ کتاب *مفاتیح‌الحیاه* (حضرت آیت‌اله جوادی‌آملی) تا چاپ ۶۴ در زمستان ۱۳۹۱ (هر چاپ ۵۰۰۰ تیراژ) دست‌کم به ۳۲۰/۰۰۰ نسخه رسیده است. همچنین کتاب *سراج‌الشیعه فی الآداب‌الشریعه* (مامقانی غروی) تا سال ۱۳۹۲ به پنج چاپ رسیده است که با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه نزدیک به ۱۵/۰۰۰ نسخه رسیده است. *الحیاه* (تألیف محمدرضا، محمد و علی حکیمی) در هفت جلد نیز در سال ۱۳۶۷ منتشر و از آن زمان بارها تجدید چاپ شده است.

جایگاه و موقعیت آثار دینی سبک زندگی

با وجود سابقه طولانی انتشار آثاری با هدف سمت‌دهی به شیوه زندگی مسلمانان که سابقه آن دست‌کم به کتاب مشهور *حلیه‌المتقین* علامه مجلسی باز می‌گردد و ده‌ها بار تجدید چاپ شده است، مسئله اصلی آن است که الگوی نفوذ این آثار (و در کل ادبیات حدیثی درباره شیوه زندگی) چگونه است و مشخصاً مراجعه، توجه، پیروی و تمکین جامعه و گروه‌های مختلف سنی، جنسی و طبقاتی از محتوای این آثار چه اندازه است؟ و این‌که چه چالش‌ها و موانعی برای مراجعه عموم مردم به این آثار و ادبیات وجود دارد؟ در اینجا چند پرسش مشخص بیان می‌شود.

۱. آیا آثار نامبرده همه ابعاد ضروری سبک زندگی با نگاه امروزی و رایج در علوم اجتماعی را پوشش می‌دهند و زمینه‌های خلأ احتمالی (ناگفته‌ها و موضوع‌های ضمنی در این آثار) کدام‌اند؟ آیا این آثار توانسته‌اند همه خواسته‌ها، نیازها و دغدغه‌های نسل جدید را پوشش و پاسخ دهند؟ نسبت ادبیات دینی سبک زندگی با واقعیات رایج جوانان امروزی چگونه است؟

۲. آیا آثار نامبرده، اطلاعات کافی برای پاسخگویی به نیازهای نسل جدید را دارند؟ مراجعه و استقبال عمومی از این آثار چگونه است و متأثر از چه فرایندهایی قرار دارد؟ جامعه نسبتاً

سنتی - و غالب مذهبی - ایران تا چه اندازه به ادبیات دینی سبک زندگی علاقه، تعهد و توجه دارد و روی آوری آنان تابع چه عوامل و شرایطی است؟ بنابراین می‌بایست فرضیه‌هایی را درباره‌ی اندازه‌ی مراجعه و توجه به آثار موجود و در دسترس و نیز عوامل و نیروهای مؤثر بر آن ارائه کنیم.

روش‌شناسی نویسندگان آثار سه‌گانه

روش‌شناسی یا الگوی تدوین سبک زندگی دینی (اسلامی) در ادبیات علما و مراجع دینی در چارچوب علوم روایی، حدیثی و رجالی قرار می‌گیرد و پیش‌بینی می‌شود که محققان علوم حوزوی روش یا فرایند پژوهشی زیر را برای ارائه‌ی منویات، احکام و دستورات دینی از محتوای متون دینی به مؤمنان و مسلمانان به‌کار برده‌اند:

۱. بررسی، اصالت و صحت (وثوق) روایات از دیدگاه معیارهای خبری و حدیثی برای تعیین اعتبار

۲. دسته‌بندی موضوعی آیات و احادیث و کنار هم قرار دادن روایات و احادیث مشابه

۳. تدوین و تنظیم نهایی اثر

از دیدگاه روش‌شناسی‌های رایج در علوم اجتماعی معاصر، شاید این روش بین نوعی تحلیل اسنادی و تحلیل گفتمان قرار گیرد. درضمن محققان به این آثار به علت انتخاب دستورالعمل‌ها، از آیات قرآن و روایات منسوب به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامی (س) بیشتر توجه کرده‌اند. منابع این آثار نیز معمولاً مشترک و کتب معتبری همچون قرآن کریم، نهج‌البلاغه، الکافی، التهذیب، الفقیه، عیون‌الرضا، بحارالانوار، علل الشرایع، وسائل الشیعه، مسندک الوسایل، مجمع‌البیان، تحف العقول غرر الحکم، امالی، مسترک النهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، مکارم الاخلاق، تهذیب الاحکام، تحف العقول، النحصال، مشکاه الانوار، جامع الانبار و... بوده است. البته تنوع این منابع در کتاب *مفاتیح الحیاه* به مراتب بیشتر بوده است. همچنان‌که می‌بینیم تلاش‌های محققان علوم دینی فقط با هدف تدوین این راهکارها و دستورها، بدون توجه به تحلیل‌های عینی و تقاضاها و نیازها و شرایط زندگی روزمره بوده است (و البته این مهم از سوی سایر محققان و اهل دغدغه در رشته‌های تخصصی نیز بررسی نشده است).

باید توجه داشت که مبنای قرار دادن این آثار (نوشتاری و منتشره) برای بررسی جایگاه سبک زندگی دینی در جامعه امروز ایران، فقط در دسترس بودن احادیث و روایات و نقل آنها

در آثار مدنظر است و این به معنای کشف جدید نویسندگان نیست؛ بلکه این دستورها و روایات در منابع دینی (وحی، سیره رسول گرامی اسلام و اهل بیت) وجود داشته‌اند اما محققان گذشته یا معاصر به تشخیص لازم برای استخراج و ضرورت ارائه آنها به مخاطبان و جامعه دینی دست یافتند. در واقع محققان همه کوشش خود را برای یافتن دستورات و تدوین آنها در قالب‌های جدید به‌کار بردند. بنابراین جدید بودن بعضی فصل‌ها در آثار بررسی شده، متضمن استخراج بحث‌های جدید از دریای معارف و حیانی به‌وسیله محققان بوده است. همچنین در این آثار علاوه بر آموزه‌های سبک زندگی، برخی از دستوره‌های اخلاقی و احکام فقهی نیز آمده است که به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌رسد. متذکر می‌شویم که در رساله‌های علمیة مراجع تقلید نیز برخی از ابعاد سبک زندگی دینی یا زندگی ایمانی در قالب احکام بیان شده است.

مروری بر محتوای آثار نوشتاری

اکنون برای نمونه محتوای برخی از این آثار را مرور می‌کنیم:

۱. محتوای جلد اول کتاب *الحیاه* (حکیمی)

باب اول: شناخت

باب دوم: عقیده و ایمان

باب سوم: عمل

۲. محتوای کتاب *سراج الشیعه* (مامقانی غروی)

فصل اول: آداب ولایت

فصل دوم: آداب لباس

فصل سوم: آداب مسکن

فصل چهارم: آداب خوردن و آشامیدن

فصل پنجم: آداب خواب و بیداری

فصل ششم: آداب طهارت و نماز

فصل هفتم: آداب نظیفات و تزئینات

فصل هشتم: آداب نکاح

فصل نهم: آداب کسب و طلب رزق

فصل دهم: آداب معاشرت (افعال حمیده شامل ۱۴ گزینه مانند تحیه‌ها، مصافحه، مکروحات، مستحبات، معاشرت، آداب مجالست، آداب مکاتبه، مشورت، مکارم اخلاق، شامل ۱۹ صفت، خصال پسندیده شامل ۶۸ صفت، اوصاف مذمومه شامل ۱۴ صفت، صفت‌های حرام شامل ۱۵۶ صفت)

فصل یازدهم: خواندن قرآن و ذکر و دعا

فصل دوازدهم: اسباب حفظ صحت، آداب مرض، احتضار و دفن و تضرع

۳. محتوای کتاب *مفاتیح‌الحیاه*: ویژگی‌های *مفاتیح‌الحیاه* (آیت‌اله العظمی جوادی آملی)

در میان آثار نوشتاری درباره سبک زندگی اسلامی، جایگاه *مفاتیح‌الحیاه* بسیار برجسته‌تر و به روزتر به نظر می‌رسد زیرا تلاش آیت‌اله العظمی جوادی آملی در این اثر کامل‌تر و جامع‌تر به نیازهای دوره معاصر و ابعاد متنوع‌تری از سبک زندگی پاسخ می‌دهد. علاوه بر ابواب رایج در این‌گونه آثار، ایشان ابتکارهای جدیدی را در مباحث زیر انجام داده‌اند.

۱. در بخش دوم، تقسیم‌بندی جدید و روشن‌تری از "تعامل انسان با هموعان" ارائه شده است که هرچند محتوای آن در آثار پیشین به چشم می‌خورد دسته‌بندی ارائه‌شده گویای رویکرد جامعی است. فصل‌های این بخش عبارتند از: رابطه با خویشاوندان، همکیشان (مسلمانان)، بیگانگان (شامل اهل کتاب و مشترکان و فرقه‌های انحرافی)، مستضعفان، مهاجمان و دشمنان، شهروندان (که خود مشتمل بر مصادیقی مانند همسایگان، دانشمندان، معلمان، دانشجویان، همکاران، بیماران، مردگان، مصیبت‌دیدگان، میهمانان، مجاهدان، کودکان، جوانان، سالمندان، یتیمان، فقیران، مددجویان (از جمله مقروضان، سائلان، در راه ماندگان، زندانیان، اسیران، آسیب‌دیدگان، حوادث طبیعی، معلولان جسمی و ذهنی و مسافران).

۲. در بخش سوم کتاب قواعد "تعامل مردم و نظام اسلامی" تنظیم و تدوین شده که احتمالاً جدید است؛ هرچند نقاط اشتراک آن با *الحیاه* (حکیمی‌ها) نیز بسیار است. فصل‌های این بخش عبارتند از: نظام سیاسی، نظام اجتماعی (با عناوینی همچون اتحاد و همبستگی، آزادی انسان‌ها، امنیت عمومی، استقلال، مشارکت، قانون‌گرایی، عدالت، دعوت به خیر و نیکی، مشورت و شورا، تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و...). فصل سوم که کاملاً جدید به نظر می‌رسد به شهرسازی و شهرداری و به چهره شهر و

مشکلات شهری و نیز مساجد اشاره دارد. امور اقتصادی (مانند تولید، ثروت، مصرف) نیز از سایر موضوع‌های این بخش است.

۳. بخش چهارم کتاب با ماهیتی کاملاً ابتکاری به "تعامل انسان با حیوان" می‌پردازد و به جزئیات بسیار مترقی درباره نگهداری، بهره‌گیری و حقوق حیوانات اشاره کرده است.

۴. بخش پنجم نیز جدید است به گونه‌ای که با این ادبیات کمتر در اختیار عموم قرار گرفته است و در آن به تعامل انسان با خلقت زیست‌محیطی پرداخته شده و فزاینده‌های مهمی همچون محیط‌زیست، آب و هوا و خاک حاصلخیز، درختکاری و جنگل‌ها، فضای سبز و مراتع، باد و باران، نهرها و دریاها، راه‌ها و جاده‌ها، مواد سوختنی و گردشگری اشاره کرده است.

وجوه مشترک سه اثر

در هر سه اثر، به موضوع‌های زیر توجه شده است:

- نظافت و بهداشت، خوردن و آشامیدن، لباس و پوشش، مسکن، زینت و آراستگی، خواب و بیدارشدن، حفظ تن و نگهداری از آن، پرهیز از آسیب به نفس، تنظیفات و تزئینات، تفریحات سالم و ورزش، ولادت، کفن دفن و فوت، حفظ سلامتی و آداب
- مریضی
- کار و تلاش، کسب و طلب رزق
- معاشرت، نکاح، صلۀ رحم، حقوق همکینان، بیگانگان، مستضعفان، شهروندان، همکاران، بیماران و...
- خصایص اخلاقی پسندیده و ناپسند
- خواندن قرآن، ذکر و دعا

ضرورت فعالیت و روشنفکری دینی

از یک سو تلاش‌های انجام‌شده (نامبرده) برای ارائه الگوی اسلامی حیات دینی اغلب چارچوب، تنظیم و تدوین مجدد آموزه‌های دینی در یک قالب جدید و امروزی بوده است؛ البته تلاش جدی برای انطباق آنها با شرایط و نیازها انجام نشده است مگر آنکه مدعی شویم انطباق با اقتضائات رایج زندگی امروزی می‌بایست از دل محتوای آیات و احادیث استخراج و استنباط

شود. در غیر این صورت باید گفت تلاش برای امروزی کردن الگوی اسلامی یا دینی سبک زندگی و ارائه تفاسیر جدید از آن به واسطه گروهی دیگر از اندیشمندان مسلمان با نام "روشنفکران دینی"، انجام شده است (برای نمونه ن.ک به حدیث بندگی سروش یا دین در ترازوی اخلاق تألیف ابوالقاسم فنایی (۱۳۸۴) و نیز مجموعه آثار مصطفی ملکیان).

روش‌های دیگر تبلیغ سبک دینی

علاوه بر آثار نوشتاری فراوان درباره حیات طیبیه که سابقه طولانی دارند می‌بایست به روش‌های خطابی (منبر و سخنرانی‌های عمومی) روحانیون و علما درباره الگوی زندگی دینی نیز اشاره شود؛ زیرا تقریباً بخشی از همه سخنرانی‌های مذهبی در مساجد، هیئت‌ها، تکیه‌ها و... که به مناسبت‌های مختلف مذهبی برگزار می‌شوند به ارائه و بیان الگوها و سبک‌های زندگی دینی (البته بر پایه همان آیات و احادیث) اختصاص می‌یابد. هرچند در چند دهه اخیر و با افول ابعاد اجتماعی دینداری و کاهش حضور در مساجد و اجتماعات مذهبی، مخاطبان مستقیم پیام‌های دینی بسیار کاهش یافته است اما ایرانیان دست‌کم در مراسم دهه محرم، ماه رمضان و نیز مراسم سوگواری درگذشتگان شنونده این‌گونه سخنرانی‌های مذهبی هستند. از سوی دیگر با توجه به حاکمیت فضای دینی در رسانه ملی، انتشار انبوه و مداوم پیام‌های دینی در رسانه‌های رسمی به‌ویژه تلویزیون با پخش سخنرانی‌ها و تصاویر (به‌صورت مستقیم) و آثار هنری مانند فیلم‌ها و سریال‌ها (به‌صورت غیرمستقیم) انجام می‌شود. البته تبلیغ سبک زندگی اسلامی و القا و انتشار سبک زندگی دینی در فضای رسانه‌ای و مجازی (اینترنت) و شبکه‌های ماهواره‌ای مذهبی نیز انجام می‌شود. برای نمونه از مجموعه رسانه‌هایی که کار تبلیغ دینی را به‌عهده دارند نام می‌بریم. پس از مقایسه این روش‌های تبلیغی، با اینکه فراوانی و فراگیری مخاطبان در آثار مکتوب (مانند سه اثر نامبرده) با سایر روش‌ها متفاوت و بسیار کمتر است، اما احتمال اثرگذاری، نفوذ در رفتارها و کنش‌های مخاطبان و نهادینه شدن آنها نسبت به سایر رسانه‌ها بسیار قوی‌تر است. نکته دیگر آنکه آثار نوشتاری، خود ممکن است منبع یا مأخذ و مبنای سایر روش‌های تبلیغی قرار گیرند.

جدول ۱. انواع و ویژگی‌های روش‌های انتشار سبک زندگی دینی

شکل انتشار پیام‌های سبک زندگی	آثار نوشتاری	تبلیغ و سخنرانی‌های مستقیم - حضوری	تبلیغ غیرمستقیم رسانه‌ای (تلویزیونی)	تبلیغ غیرمستقیم رسانه‌ای (فیلم و سریال)	تبلیغات مذهبی در فضای مجازی و ماهواره
فراگیری مخاطبان	بسیار محدود	متوسط	کم	بسیار زیاد	کم
احتمال اثرگذاری به لحاظ تکنیکی	بسیار زیاد	کم	کم	زیاد	زیاد

بررسی پرسش‌ها

اکنون برای بررسی دقیق‌تر پرسش‌های بیان‌شده دربارهٔ این آثار، آنها را دقیق‌تر بررسی می‌کنیم:

۱. دامنهٔ رواج و فراگیری محتوای آثار: برحسب فرض پذیرفته‌شده در ادبیات دینی مبنی بر جامعیت شریعت اسلامی و اینکه همهٔ حلال و حرام‌ها در دین محفوظ است (و لا رطب و لا یطیب الا فی کتاب المبین و...) و اینکه دین اسلام احکام زندگی را از زمان پیش از تولد تا پس از مرگ پوشش می‌دهد، به‌نظر می‌رسد آیات، احادیث و روایات بیان‌شده در آثار منتشره همهٔ ابعاد سنتی سبک زندگی را در بر می‌گیرد که شامل مصرف، پوشش، فراغت، معاشرت و... است. اما مشکل آنجاست که این دستورات می‌بایست پاسخگوی دغدغه‌ها و مسائل جدید نیز باشند. برای نمونه به الگوی روابط دختر و پسر پیش از ازدواج (که مسئله‌ای جدید و مربوط به دوران مدرن و حضور دختران در اجتماع است) توجه کافی نشده است. البته برخی از دستورهای مربوط به آن در شریعت اسلامی آمده اما به‌علت جنبهٔ فقهی در این آثار نیامده است. همچنین این آثار پاسخگوی بخش‌هایی مهم از دغدغه‌ها و نیازهای جوانان امروز در زمینهٔ هنرها، فراغت و ورزش، گردشگری به خارج از کشور و... نیز نیستند؛ شاید دلیل این امر آن است که در رویکرد اسلامی، به‌طور تلویحی، این زمینه‌ها مباح و «منطقه الفراغ» شناخته شده‌اند. با وجود این ضروری است که در این زمینه نیز اعلام موضع و تعیین تکلیف شود.

۲. دامنه نفوذ و استقبال از آثار در جامعه ایرانی: در میان این آثار دو اثر الحیاه برای جامعه روشنفکری، تحصیل‌کرده و دانشگاهی و نیز *مفتاح‌الحیاه* برای اقشار مختلف جامعه ایرانی مورد توجه قرار گرفته است و تیراژ گسترده این آثار حاکی از واقعیت است. اما متأسفانه دامنه نفوذ این آثار شرایط مناسبی ندارد.

امروزه چالش‌ها و موانع تحقق و برجستگی سبک زندگی دینی، همچنانکه در مباحث روش‌شناسی و امکان‌سنجی (یا امکان‌شناسی) بیان شد تحقق، تعمیق و شمولیت‌یابی الگوی دینی سبک زندگی منوط به در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود اجتماعی- فرهنگی جامعه ایرانی نوین و به‌ویژه توجه به مجموعه تحولات ناشی از مدرنیته است؛ زیرا مدرنیته (نوسازی) یکی از مهم‌ترین نیروهای مؤثر یا غالب در زندگی ایرانیان به‌شمار می‌آید. اکنون برخی از مهم‌ترین شواهد و یافته‌های تجربی محققان ایرانی را در این زمینه مرور می‌کنیم. ابتدا باید به تغییرات نهاد خانواده توجه کنیم زیرا اتفاق‌های رخ داده در نهاد خانواده بسیار مهم است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۳)؛ و در این میان توجه به اخلاق جنسی اهمیت بیشتری دارد. براساس پژوهش خلیج‌آبادی و مهریار، ۵۸-۵۴ درصد از دانشجویان دانشگاه‌ها روابط دوستی پیش از ازدواج را تجربه می‌کنند در حالی که روابط جنسی پیش از ازدواج بین دانشجویان ۱۱-۸ درصد است (خلیج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹). همچنین پژوهش‌های فراوان نشان می‌دهند که جوانان ایرانی روابط دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج را رفتاری منفی و ناپه‌نجان نمی‌دانند (محمودیان و دوراهکی، ۱۳۹۳، به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۷۹؛ عبداللهیان، ۱۳۸۳؛ جوکار، ۱۳۸۳؛ احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳؛ موحد و همکاران، ۱۳۸۵). در پژوهش محمودیان و دوراهکی درصد مهمی از مردان (۲۳/۵ درصد) و زنان (۲۲/۲۰ درصد) به روابط دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج عقیده دارند و نیز ۵۲ درصد مردان و زنان دیدگاهی میانه به این موضوع داشته‌اند. بنابراین بیشتر جامعه نمونه (دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران- سال ۱۳۹۱) امتیاز بالا و متوسطی به این‌گونه روابط دادند (۷۴ درصد کل نمونه). متغیرهایی همچون فرامادیگرایی، خانواده - محوری و هزینه فرصت ازدواج بر آن مؤثر است (محمودیان و دوراهکی، بهار ۱۳۹۳). در بررسی موحد و عباسی شوانزی نیز ۳۲/۵ درصد پاسخگویان نگرش منفی، ۵۵/۶ درصد نگرش میانه یا متوسط و ۱۱/۹ درصد از دانشجویان دختر نگرش مثبت به روابط بین دختر و پسر پیش از ازدواج داشته‌اند (موحد، ۱۳۸۵). موحد، عنایت و شوازی در بررسی دیگری نشان داده‌اند که ۲۵/۶ درصد دانشجویان نگرش مثبت، ۵۰/۸ میانه و ۲۳/۶ درصد نگرش منفی به معاشرت‌های

پیش از ازدواج داشته‌اند. ساروخانی و مقربیان نیز با بررسی دیدگاه‌ها و رفتارهای زنان مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران در سال ۱۳۸۸ و با نمونه ۲۸۵ نفر نشان دادند که ۴۳/۱ درصد از پاسخگویان منطقه ۱ و ۵۲/۴ درصد از پاسخگویان منطقه ۱۱ به دوستی با جنس مخالف گرایش دارند و با این موضوع موافق‌اند؛ و نیز ۶۲ درصد از پاسخگویان منطقه ۱ و ۳۳ درصد منطقه ۱۱ دیدگاه میانه داشته‌اند. در مجموع ۵۲ درصد از زنان منطقه ۱ و ۶۷ درصد از زنان منطقه ۱۱ تمایل یا تجربه دوستی با جنس مخالف داشته‌اند که به نظر محققان متأثر از تجددگرایی آنان بوده است (ساروخانی و مقربیان، بهار ۱۳۹۳). در پژوهش تجربی سفیری، گودرزی و میراث برای سنجش اختلاف هویت جنسیتی میان زنان شهر قزوین، میانگین اکثر گرایش‌های زنان مدرن بوده است و در همه ابعاد از جمله حضور زن در جامعه، تقسیم وظایف زن و مرد، تفاوت‌های جنسیتی، معیارها و ارزش‌های ازدواج، سبک زندگی، مدیریت بدن و اوقات فراغت جمعیت نمونه گرایش‌های مدرن داشتند؛ هرچند این به معنای فقدان یا ضعف هویت سنتی نیز نباید تلقی شود اما در جمع‌بندی نهایی، جامعه زنان جوان (۲۴ تا ۳۴ ساله شهر قزوین) گرایش‌های مدرن داشتند یعنی خواستار کنشگری فردمحور و استقلال‌خواهی (سفیری، گودرزی و میراث، ۱۳۹۲).

نگارنده خود در پژوهشی منتشر نشده در سال ۱۳۹۲ بر روی جامعه آماری زنان شهر تهران (با حجم نمونه ۴۰۰ نفر) دریافت که نزدیک به ۳۰ درصد آنان مشکلی با میهمانی‌های مختلط و رقص در مقابل نامحرم ندارند، ۵۰ درصد آنان با دوست پسر موافقت، ۴۸ درصد با مدهای غربی موافق هستند، ۶۴ درصد با دیدگاه غربی در خصوص برابری زن و مرد موافقت و نزدیک به ۵۰ درصد آنان با لزوم پوشش مقابل نامحرم مخالفند یا نظری ندارند. مجموع این نتایج حکایت از بروز تغییراتی روشن در فرهنگ عمومی دارد. برای بررسی سایر تغییرات عینی در زمینه فرهنگ نیز می‌توان به نتایج پژوهش کاظمی و نیازی اشاره کرد که براساس آن ۵۴ درصد از پاسخگویان به الگوی سنتی ازدواج و ۴۶ درصد به الگوی مدرن عقیده دارند. در حالی که الگوی ازدواج زنان، مدرن‌تر است و رسانه تأثیر بسیاری زیادی بر الگوی مدرن ازدواج دارد. نتیجه مهم محققان آن بود که تغییرات نگرشی و رفتار افراد از جمله در زمینه ازدواج منجر به تشابه الگوی ازدواج افراد با الگوی ازدواج غربی و مدرن‌تر شدن آن شده است. الگوی ازدواج در برگیرنده شاخص‌های سن مناسب ازدواج، شیوه انتخاب همسر، جدایی و طلاق و مناسب بودن ازدواج به دست آمده است. در این میان شیوه انتخاب همسر، سنتی باقی مانده است اما بقیه شاخص‌ها مدرن شده‌اند (کاظمی و نیازی، ۱۳۸۹). برای بررسی سایر تغییرات در سبک

زندگی به پژوهش نیازی توجه شود که در آن تحول‌های مهم در شاخص‌های سبک زندگی میان شهروندان کاشانی در سال ۱۳۸۹ بدین‌صورت توصیف کرده است: شیوه گذران اوقات فراغت ۲۷ درصد سنتی، ۶۲ درصد نیمه‌سنتی و ۱۱ درصد مدرن بوده است؛ شرایط مکان زندگی ۲۵ درصد سنتی، ۶۶ درصد نیمه‌سنتی و ۸ درصد مدرن؛ نقش‌های خانوادگی و خویشاوندی ۴۳ درصد سنتی، ۴۴ درصد نیمه‌سنتی و ۱۳ درصد مدرن؛ نوع ارزش‌ها و پای‌بندی به آنها ۶ درصد سنتی، ۶۱ درصد نیمه‌سنتی و ۳۳ درصد مدرن؛ مصرف‌گرایی و نمادهای ارزشی ۲۳ درصد سنتی، ۵۵ درصد نیمه‌سنتی و ۲۲ درصد مدرن؛ نقش‌های شغلی و مالی ۲۰ درصد سنتی، ۳۷ درصد نیمه‌سنتی و ۴۳ درصد مدرن شده است. در مجموع ۳۵ درصد جامعه سنتی، ۵۴ درصد نیمه‌سنتی و ۱۱ درصد مدرن هستند (نیازی، ۱۳۹۰). مرتضی مساوی در بررسی تجربی خود درباره تغییرات فضاهای شهروندی جوانان ایرانی بین سال‌های ۸۵-۱۳۷۱ که با روش کیفی انجام داده است بر این نتیجه تأکید دارد که در دوره زمانی نامبرده فرهنگ پنهان جوانان از وضعیت پنهان و ناچیز خود به سطح آشکار و فراگیر رسیده است و هماهنگی نسبی میان فرهنگ ظاهری ماهواره (به‌عنوان فضای فرهنگی) با فرهنگ ظاهری جامعه به‌وجود آمده است. تجلی‌گاه این تحول نیز کافینت‌ها، خیابان‌ها، مراکز خرید و مکان‌های عمومی بوده است. فرهنگ غربی به صورت جمعی و گروهی، نمایش و بروز می‌یابد و در تفریحات، شیوه پوشش و در مجموع در سبک زندگی خود را نشان می‌دهد (منادی، ۱۳۸۸). برای ارائه برآوردی از وضعیت دینداری نیز براساس پژوهش کلاهی، اشکال مهم دینداری ایرانیان شامل دینداری روش‌مدار، دینداری هدف‌مدار، دینداری اخلاق‌مدار (یا دینداری شخصی و خصوصی)، دینداری عرف‌مدار (دینداری رایج یا سنت‌گرایانه) است که متأثر از جهانی‌شدن به‌وجود آمده‌اند. در واقع جهانی‌شدن موجب رواج انواع دینداری‌های خاص شده است (کلاهی، ۱۳۹۰).

موانع سبک زندگی دین‌محور

براساس مجموع تحقیقات تجربی و میدانی که به برخی از آنها اشاره شد، بروز تحولات مهم فرهنگی زیر در جامعه ایرانی مشهود است:

- بی‌شکلی جامعه مدرن،^۱ نظام‌گریزی، بی‌اصالتی، گشودگی^۲

- تغییر گرایش‌های ارزش و رشد علم‌گرایی و عقلانیت ابزاری
 - تغییرات در سبک زندگی، الگوی ازدواج، تفریح و...
 - فردگرایی، لذت‌گرایی، مصرف‌گرایی، تغییر اوقات فراغت
 - جهانی‌شدن- جهان وطنی، ارزش‌های جهان وطنانه
 - رواج انواع دینداری‌ها، تضعیف ادیان تاریخی، ویران‌ترین ادیان
 - بهره‌گیری سرمایه جنسی و سیاست بدن
 - افزایش حس آزادی و اختیار در زندگی
 - شهری شدن، صنعتی شدن و تکنولوژی: کاهش نظارت‌های بومی و محلی
 - تضعیف نهاد خانواده و خویشاوندی: رابطه عاطفی عشق‌محورانه
 - پافشاری بر انتخاب و اختیار افراد
 - رشد سکولاریسم (دین فردی)
- مجموعه این تحولات در بندهای زیر خلاصه شده است.
۱. فردگرایی و تغییر شبکه روابط سنتی در خانواده و...
 ۲. تکثر فرهنگی و رشد قبیله‌گرایی‌های نوین، امکان انتخاب‌های چندگانه، افزایش شکاف‌های اجتماعی فرهنگی، متکثر، رواج هرج و مرج (آناشیک شدن)، تنوع‌طلبی، تمایزطلبی و ایجاد جهان‌زیست‌های مختلف.
 ۳. رشد لذت‌گرایی، فراغت‌جویی، ارضاطلبی و مصرف‌گرایی
- ناگفته پیداست که این تحولات متأثر از جهانی‌شدن، رسانه‌ای شدن، رشد تکنولوژی‌های جدید و در مجموع مدرن‌شدن جامعه ایرانی است.

ارزیابی توان رقابتی سبک زندگی اسلامی

برای نتیجه‌گیری و ارزیابی توان رقابتی الگوی سبک زندگی اسلامی به نکته‌های زیر اشاره می‌کنیم:

۱. منابع سه‌گانه بررسی شده - در نقش نمونه‌هایی از ادبیات سبک زندگی دینی- بیشتر ابعاد و شاخص‌های سبک زندگی را پوشش می‌دهند ولی پاسخگوی همه نیازهای نسل جوان جامعه ایرانی امروز نیستند.

۲. پذیرش عمومی سبک زندگی اسلامی متأثر از سطح دینداری جامعه ایرانی است و البته در شرایط کنونی ابعاد مختلف دینداری در جامعه ایران پرنفوذ و قوی است (برای نمونه ن.ک: حاجیانی، ۱۳۸۸).
۳. با توجه به تنوع دینداری در جامعه ایران، به نظر می‌رسد الگوهای سبک زندگی دینی تنوع و تکثر لازم را ندارد.
۴. سبک زندگی دینی ارائه‌شده در آثار نوشتاری، زمینه و مکان مشخصی بین معتقدان و وفاداران به آن (سبک زندگی دینی) ندارد. البته در واقعیت و کنش عینی، با تنوع سبک زندگی میان دینداران روبه‌رو هستیم.
۵. ترکیب و همسازی سبک زندگی دینی با شرایط بومی و محلی و حتی هم‌زیستی با عناصر فرهنگ مدرن امکان‌پذیر است اما از دیدگاه تئوریک (منظور آثار نامبرده است) فاقد این صفت هستند.
۶. الگوی دینی سبک زندگی، اغلب وجه تجویزی و توصیه دارد.
۷. الگوی دینی سبک زندگی، اساساً جذابیت‌هایی برای جامعه دینی داشته است اما برای زندگی امروزی نیاز به ارائه تفاسیر و برداشت‌های جدیدی دارد.

راهبردها: ضرورت تنوع‌بخشی به سبک‌های زندگی دینی

از جنبه راهبردی، استقرار، شمولیت‌بخشی و نفوذ بیشتر سبک زندگی دینی در جامعه امروزی، تا اندازه زیادی، مشروط به ایجاد تنوع و تکثر در سبک زندگی دین‌مدار و مؤمنانه است. در ابتدا، این گزاره با یک مشکل یا مانع ذهنی مهم روبه‌روست، اینکه بر مبنای قواعد پذیرفته‌شده کلامی و فقهی، دین یک مجموعه منسجم است که امکان تغییر و تنوع‌بخشی در آن راه ندارد و حلال و حرام و مباح در آن ابدی و ثابت است. در پاسخ باید گفت بر اساس بررسی‌ها و شواهد تاریخی و معاصر، فقط یک مجموعه از قواعد و اصول کلی دین اسلام در همه جوامع، گروه‌ها و اقشار ثابت‌اند اما رفتار و تظاهرات دینی و ایمانی، کیفیت اجتماعی دینی و آداب و اصول اخلاقی (حتی از دیدگاه دینی) بر اساس شرایط جغرافیایی، فرهنگی، قومی، زبانی، نژادی، تنوع دارند و به اصطلاح «زمینی» شده‌اند. بدین معنا که دینداران و متشرعان بر حسب شرایط و اوضاع ساختاری و متغیرهای زمینه‌ای هر یک سبک و شیوه‌ای خاص از دینداری و زندگی مبتنی بر وحی را پیش گرفته‌اند. بنابراین تنوع در سبک زندگی در جوامع اسلامی (در سطح کلان) واقعیتی

پذیرفته شده و ملموس است که با آن روبه‌رو بوده و هستیم. بنابراین در سطح جامعه ایرانی نیز تنوع‌دادن به سبک‌های زندگی دینی در نقش گزینه‌ای راهبردی در نظر گرفته می‌شود. به این ضرورت به دو دلیل مهم می‌بایست توجه شود:

۱. تکثر و تنوع موجود در جامعه ایران

تکثر، تنوع و تفاوت‌هایی^۱ که از درون جامعه مدرن سر برآورده موجب فعال‌شدن شکاف‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی شده است. بنابراین با جامعه‌ای مملو از انواع گرایش، اقشار و گروه‌های اجتماعی روبه‌رو شده‌ایم؛ که هر یک از جنبه روان‌شناسی اجتماعی، رفتار گروهی (یا جمعی)، ساختار و سلسله مراتب، اهداف، خواست‌ها، نیازها، عقاید و نگرش‌ها کاملاً یا تقریباً متفاوت‌اند و حتی اختلاف دارند. پذیرش اصل تنوع به‌عنوان یک واقعیت پیش‌رو، تنوع‌بخشی در سبک زندگی را موجب می‌شود و این موضوع به‌تدریج، ضرورت تنوع‌یابی و تنوع‌بخشی در سبک‌های زندگی مؤمنانه را نیز طبیعی و بدیهی می‌نمایاند. مگر آنکه وجود تنوع و تکثرهای موجود را انکار کنیم یا بر آن باشیم که باوجود این تنوع کلیت جامعه ایرانی را در یک الگو یا سبک زندگی دینی ثابت قرار دهیم؛ که البته هر دو فرض نادرست و دور از واقع است و رواج و تحقق سبک زندگی دینی را به تأخیر انداخته یا ناممکن می‌کند. پذیرش این تنوع در سبک زندگی دینی به معنای پذیرش برخی اصول کلی مشترک (شاید در حد اصول دین و مصالح مشترک ملی و فرهنگ بومی) و امکان تکثیر یا مجاز دانستن تنوع در غیر از آن است. اکنون شبهه یا مسئله "دین حداقلی" و "دین حداکثری" بیان می‌شود که بایستی بدان پاسخی روشن بدهیم.

۲. تنوع در دینداری

بر مبنای پژوهش‌های متعدد جامعه‌شناختی، در جامعه کنونی ایران با انواع الگوهای دینداری روبه‌روایم و این به سبب قوت و پایداری دین در جامعه ایرانی است. یعنی حذف یا حداقل شدن دین در زندگی اجتماعی ممکن نبوده است (مانند تجربه اروپائیان) بنابراین دینداری به اشکال و گونه‌های مختلفی درآمده است. تقسیم‌بندی‌های ارائه شده بسیارند اما در یک دامنه از انواع دینداری شناسنامه‌ای، سنتی، سیاسی شده مدرن (یا تلفیقی) تا سکولار بازشناسی می‌شود

1. Differentiations
2. Diversity

که از قضا این گونه اخیر در دوره معاصر روبه رشد بوده است. بنابراین با یک جامعه دینی (دینداران) مواجه‌ایم که شیوه‌های مختلف دینداری را در پیش گرفته‌اند. از سوی دیگر باید در نظر داشت که سبک زندگی برای جامعه دینداران ارائه می‌شود و تکلیف افراد با گرایش‌های کاملاً لائیک، در این بازار روشن است (یعنی آنها اساساً خواستار و علاقه‌مند به هیچ نوع سبک زندگی دینی نیستند). زمینه اصلی برای پذیرش سبک زندگی اسلامی، وجود کمترین گرایش‌های دینی و مذهبی در جامعه مخاطب است. حال می‌بایست برای بروز و ظهور انواع سبک‌های دینداری و شرایط فرهنگی، ذهنی و رفتاری هر فرقه از دینداران، به سوی تنوع‌بخشی به الگوهای سبک زندگی دینی حرکت کرد و چاره‌ای جز انتخاب این راهبرد نیست.

صرف نظر از دو استدلال بیان‌شده، باید روشن کرد که اساساً جامعه ایرانی به دلیل تنوع ذاتی موجود در آن و شرایط تاریخی مانند هر جامعه دیگر، خودبه‌خود و طبیعی، به سوی الگوهای متنوع سبک زندگی حرکت کرده است؛ چنانچه یک تشابه کامل بین برگزاری اعیاد و مراسم مذهبی یا کیفیت اجتماع‌های مذهبی و حتی رفتارهای دینی بین مسلمانان شیعه شهر نیشابور با مسلمانان ساکن بوشهر (نیز سبک زندگی مسلمانان اهل سنت آق‌قلا با اهل سنت لارستان و خنج) وجود ندارد.

بنابراین بیان این ایده به معنای درافکندن طرحی نو نیست و جامعه ایرانی خود‌پذیرای سبک‌های مختلف زندگی دینی بوده و است. اما هدف از بیان این موضوع، تلاش برای نوعی تأیید و پذیرش رسمی وجود این تنوع از سوی مراجع دینی و پرهیز و خودداری مراجع رسمی کشور از حرکت به سوی یکسان‌انگاری یا یکسان‌سازی سبک زندگی دینی جامعه ایران و تلاش برای تدقیق و تکمیل (تصحیح) متون دینی جدید است که بزرگان حوزوی و دلسوزان فرهنگ دینی - در آینده - انجام خواهند داد. بدین معنا که باید محققان حوزوی بکوشند تا به عناصر و آموزه‌هایی از احادیث و روایات و آیات توجه کنند که توانایی و اختیار (مختار بودن مؤمنان) را برای دینداران فراهم می‌کند؛ به‌گونه‌ای که انواع یا سبک‌های مختلف حیات طیبه را به جامعه دینی ارائه دهند. ناگفته پیداست که «امکان» و «تحقق» این شرایط منوط به در نظر گرفتن واقعیات و شرایط عینی اجتماعی - فرهنگی جامعه ایرانی خواهد بود.

از جمله این شرایط، انطباق و نزدیک‌سازی مشکل اصلی برای تعمیق و تعمیم الگوی اسلامی سبک زندگی، با تنوع دینداری در جامعه ایران است. برای حل این مسئله یا مشکل

شاید گفتمان احیا و نیز روشنفکری دینی که در آثار برخی از روشنفکران دینی بیان شده است توانایی پاسخگویی به سبک زندگی دینی را داشته باشد؛ و آن نیز به واسطه نفوذ و پایگاه اجتماعی آثار روشنفکران دینی در جامعه ایرانی امکان پذیر می شود. هرچند در این آثار غلبه گرایش های معنوی- اخلاقی بیشتر شده است (به ویژه در برخی آثار و اندیشه های ملکیان) اما باید پذیرفت جز حرکت به سوی گفتمان دینی راه چاره ای نیست.

منابع

- حکیمی، محمدرضا، *الحیاه* (۱۳۶۷)، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الفت، سعیده و سالمی، آزاد (۱۳۹۱)، «مفهوم سبک زندگی»، *فصلنامه مطالعات سبک زندگی*، شماره ۱: ۳۶-۳۹.
- امیری، مجید (۱۳۹۰)، *بررسی رابطه ابعاد دینداری و سبک زندگی جوانان دانش آموز شهر ورزقان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
- بخرد، محمد (۱۳۹۳)، *رابطه دینداری و سبک زندگی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیاه*، قم: مرکز نشر اسرا.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۶)، *الگوهای سبک زندگی ایرانیان*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- _____ (۱۳۸۸)، *جامعه شناسی هویت ایرانی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- _____ (۱۳۹۱)، *مجموعه مقالات همایش سبک زندگی ایرانیان*، معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده و مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۸۹)، «بررسی نقش خانواده در ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، *فصلنامه خانواده پژوهی*، شماره ۲۴: ۴۶۸-۴۴۹.
- ساروخانی، باقر و مقریان، مریم (بهار ۱۳۹۲)، «تجددگرایی و روابط پیش از ازدواج»، *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، شماره ۱۹: ۱۲۰-۱۰۱.
- سفیری، خدیجه؛ گودرزی، محسن و میراث، سمیه (۱۳۹۲)، «تعارض های هویت جنسیتی سنتی و مدرن و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه جامعه، فرهنگ و رسانه*، شماره ۶.

- شکوری، علی (۱۳۸۰)، *خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی جوانان در شهر تهران* (گزارش منتشر نشده)، تهران: پژوهشکده ملی مطالعات جوانان، سازمان ملی جوانان.
- شهابی، محمود (۱۳۸۶)، *الگوهای سبک زندگی جوانان ایرانی*.
- شیخ‌بهایی (۱۳۸۸)، *مفتاح الفلاح*، قم: انتشارات جلوه کمال.
- فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲)، *سبک زندگی براساس آموزه‌های اسلامی*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی (صدا و سیمای قم).
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.
- فنایی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، *دین در ترازوی اخلاق*، قم: انتشارات صراط.
- قدیری، قادر (۱۳۹۱)، *تأثیر اخلاق در اصلاح الگوی مصرف از منظر معصومین (ع)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی قم.
- قرلسفلی، محمدتقی و فرخی، سمیه (بهار ۱۳۹۲) «جهان‌زیست ایرانی و تأثیر آن در نهادمندی سبک زندگی»، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شماره ۲: ۸۴-۶۱.
- کاظمی، زهرا؛ نیازی، صفر (تابستان ۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۲۳-۳.
- کلاهی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «دینداری و جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۲۴: ۹۴-۶۵.
- گشنیزجانی، کامران (۱۳۹۰)، *گونه‌شناسی سبک‌های زندگی در میان دانشجویان دانشگاه تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مامقانی‌غروی، عبدالله (۱۳۹۲)، *سراج الشیعه الاداب الشریعه (اخلاق و آداب زندگی در شریعت اسلامی)*، قم: انتشارات شاکر.
- مجمع، شهره (۱۳۸۷)، *بررسی الگوی پوشش جوانان (سبک زندگی یا مقاومت)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.
- محمودیان، حسین؛ دوراهکی، احمد (۱۳۹۳)، «عوامل مؤثر بر نگرش جوانان به روابط دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج»، *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، شماره ۲۳: ۸۲-۶۳.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۸)، «روند تغییرات فضاهاى شهروندی جوانان ایران از ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۵»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۱۶: ۱۵۴-۱۲۷.

- موحد، مجید؛ عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵)، «بررسی جامعه‌پذیری و نگرش دختران نسبت به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج»، *مجله مطالعات زنان*، شماره: ۱-۳۴.
- موحد، مجید؛ عنایت حلیمه و عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵)، «بررسی روابط عوامل اجتماعی فرهنگی با نگرش دانشجویان به معاشرت و دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۲: ۱۶۵-۱۴۶.
- مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۶)، *دین و سبک زندگی*، تهران: انتشارات امام صادق (ع).
- نیازی، محسن (۱۳۹۰)، «رابطه بین سبک زندگی و میزان هویت ملی در شهر کاشان»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۲۴: ۱۵۸-۱۲۹.
- هاشمی، مولود (۱۳۹۰)، *بررسی نمونه‌های عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.